

نقش ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت

سود

وحید قربانی اسفهلان

کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، موسسه آموزش عالی میزان، تبریز، ایران.
vahid.ges@gmail.com

شماره ۴۲ / تابستان ۱۴۰۰ (جلد اول) / صص ۱۱۵-۱۳۴
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

چکیده

ساختار مالکیت به عنوان بخشی از مکانیزمهای حاکمیت شرکتی که نشان دهنده روابط مالکان و چهارچوب مالکیت می باشد بر مدیریت و نحوه نگرش مدیران تاثیر گذار است. در رسوایی های مالی اخیر نظیر آدلفیا و انرون در آمریکا و پارمالات در اروپا، معاملات اشخاص وابسته به عنوان یکی از کانون های نگرانی تبدیل شده است، به طوری که استفاده هدفمند از این معاملات از عوامل سقوط شرکت ها بوده است. از این رو هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا ساختار مالکیت رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تعدیل می کند؟ برای بررسی این موضوع با استفاده از ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ با استفاده از رگرسیون خطی به بررسی و تجزیه و تحلیل این موضوع پرداخته شد که نتایج آزمون نشان داد معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری دارند. همچنین در دیگر نتایج آزمون فرضیه ها مشاهده شد که ساختار مالکیت رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تعدیل می کنند.

واژه های کلیدی: ساختار مالکیت، معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود.

مقدمه

شرکت ها برای گزارشگری کنترل داخلی انگیزه اقتصادی دارند و مطالعات نشان می دهد که کنترل داخلی هزینه های نمایندگی را کاهش می دهد؛ و از طرف دیگر ساختار مالکیت متمرکز باعث افزایش تضاد نمایندگی بین مالکان دارای قدرت و سرمایه- گذاران خارج از شرکت (سرمایه گذاران اقلیت) می شود. سازوکارهای متعددی برای محدود کردن تضاد نمایندگی پیشنهاد شده است که در این راستا جنسن^۱ (۱۹۹۳) ساختار مالکیت را به عنوان یکی از سازوکارهای درون سازمانی مؤثر می داند. ساختار مالکیت در راهبری شرکتی دارای جایگاهی محوری و مشخص می باشد. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت یک ابزار کنترل و اعمال حکمرانی در شرکت هاست. این مسأله بعد از راهبری در قالب ابعاد مختلف تعیی نکننده نوع

¹ Jensen

مالکیت شرکت نظیر تمرکز مالکیت، وجود سهامداران جزء، اقلیت و عمده در ترکیب مالکیت شرکت و درصد مالکیت آنها قابل بررسی است. همچنین ترکیب سهامداری شرکت‌ها از الگوی متفاوتی نظیر سهامداران نهادی، مالکیت مدیریتی، سهامداران خصوصی و دولتی تبعیت می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۷).

منظور از ساختار مالکیت^۱، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت و بعضاً مالک عمده نهایی سهام آن شرکت است. ساختار مالکیت به بیان ساده یعنی چه اشخاصی (حقیقی یا حقوقی) بر تصمیمات عملیاتی و استراتژیک یک شرکت تسلط و حکم‌فرمایی دارند. بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی عقیده دارند که هر یک از انواع مالکیت نیز می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. ترکیب سهامداران و میزان تمرکز مالکیت، دو جنبه اساسی ساختار مالکیت شرکت‌ها به شمار می‌رود که ترکیب سهامداران از طریق چهار متغیر مالکیت خارجی، مالکیت شرکتی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی اندازه‌گیری می‌شود. لذا، روش‌های کنترل عملکرد مدیران و عوامل مؤثر بر عملکرد آنها و همچنین شیوه اندازه‌گیری تأثیر هر یک از انواع مالکیت بر عملکرد شرکت‌ها، از جمله مسائلی است که طرف توجه و علاقه سهامداران، مدیران و محققان بسیار است (أستا، ۱۳۹۰).

ساختار مالکیت به عنوان بخشی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی که نشان دهنده روابط مالکان و چهارچوب مالکیت می‌باشد بر مدیریت و نحوه نگرش مدیران تأثیر گذار است. ساختار مالکیت از طریق هدایت، نظارت و کنترل مدیریت و تعدیل رفتارهای فرصت طلبانه آنها بر مدیریت واقعی سود تأثیرگذار می‌باشد (محمدی پور، ۱۳۹۴).

اطلاعات گران‌بهاترین عنصر سرمایه است که سرمایه‌گذاران با اتکا بر این اطلاعات می‌توانند از فرصت‌های سودآور بازار، حداکثر بازدهی را کسب نمایند. اطلاعات در صورتی سودمند است که منجر به تغییر در باورها و واکنش‌های سرمایه‌گذاران شود و علاوه بر آن بتوان درجه سودمندی اطلاعات را بر اساس تغییرات در قیمت‌ها پس از انتشار اطلاعات، اندازه‌گیری نمود. یکی از مهم‌ترین اطلاعات موردنیاز، اطلاعات حسابداری است که محصول نظام اطلاعات حسابداری هست. انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاران هرچقدر بیشتر از اطلاعات حسابداری استفاده کنند، تصمیمات منطقی‌تر و مناسب‌تری اتخاذ نمایند (تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵).

اطلاعات حسابداری از طریق متن صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی و سایر گزارش‌هایی مانند گزارش فعالیت هیئت‌مدیره ارائه می‌شوند. مجموعه کامل صورت‌های مالی شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت سود و زیان جامع و صورت جریان وجوه نقد و یادداشت‌های توضیحی هست. یادداشت‌های توضیحی محل ارائه اطلاعات بیشتر درباره سرفصل‌های ارائه‌شده در متن صورت‌های مالی و همچنین سایر اطلاعات لازم برای درک و تفسیر بهتر این صورت‌هاست. از جمله این اطلاعات رویدادهای پس از تاریخ ترازنامه، بدهی‌های احتمالی و معاملات با اشخاص وابسته است. به جهت اهمیت معاملات با اشخاص وابسته استانداردهای حسابداری افشای آن را اجباری کرده است. معاملات اشخاص وابسته، همواره از راه‌های تأثیرگذار در سودهای گزارش‌شده بنگاه‌های اقتصادی بوده است. در سال ۲۰۰۱ شرمین و یانگ، شش عرصه‌ی پرخطر را شناسایی نمودند که امکان وقوع حسابداری متهورانه در آنها بیشتر است. یکی از آن عرصه‌ها، معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد؛ زیرا این عامل به شرکت اجازه می‌دهد تا به صورت خودسرانه سودهای خود را کاهش یا افزایش دهد یا اینکه آن را تحریف نماید (بزرگ اصل، ۱۳۸۵).

¹ Ownership Structure

گفتار ۴۰۴ قانون ساربینز اکسلی شرکت‌ها را ملزم می‌کند معاملات با اشخاص وابسته و میزان آن را در صورت‌های مالی مشخص کنند، در مواردی که صورت‌های مالی جداگانه‌ای برای واحد تجاری، سرمایه‌گذار و شرکت‌های تابعه تهیه شود، بایستی افشاسازی در صورت‌های مالی تلفیقی نیز به صورت جداگانه انجام شود که این افشاسازی در بعضی از آن‌ها حذف می‌شود و در بعضی دیگر حذف نمی‌شود. همچنین هر سود و زیان داخلی که در نتیجه معاملات با اشخاص وابسته ایجاد شود، نباید حذف گردد و تأثیر آن بایستی به صورت آشکار، افشا گردد (جواهری، ۱۳۸۵).

بیان مسئله

حاکمیت شرکتی به عنوان مبحثی است که بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران تأکید دارد و نقش آن در کاهش تضاد بین منافع سهامداران و مدیران است. این تضاد منافع اغلب با مسائل نمایندگی در ارتباط است که ناشی از دو علت اصلی است: اولی متفاوت بودن اهداف و ترجیحات مشارکت‌کنندگان در شرکت و دیگری ناقص بودن اطلاعات مشارکت‌کنندگان نسبت به عملکرد، دانش و ترجیحات یکدیگر. حاکمیت شرکتی مجموع‌های از فرآیندها، قوانین، سیاست‌ها و روش‌هاست که به نحوه هدایت، اداره و کنترل سازمان‌ها یا شرکت‌ها و همچنین به نحوه تعامل ذینفعان مختلف در راستای اهداف سازمان و یا شرکت می‌پردازد. حاکمیت شرکتی مفهومی چندوجهی است که از جمله مهم‌ترین وجوه مورد بحث آن، افزایش پاسخگویی افراد کلیدی سازمان (مسئولیت‌پذیری) و تأثیر نظام‌های حاکمیت شرکتی بر اثربخشی اقتصادی است (منتظری، ۱۳۸۹). ساختار مالکیت به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران زیادی را به خود جلب نموده است. از دیدگاه تئوری نمایندگی وجود سهامداران نهادی به عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، می‌تواند موجب همسو شدن منافع سهامداران و مدیران شود و این همسویی باعث افزایش نفوذ سهامداران بر مدیریت گردد (شیفر و ویشنی، ۱۹۹۷). همچنین داشتن تمرکز در مالکیت شرکت نیز که از کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت ناشی می‌شود، می‌تواند کاهنده مسائل نمایندگی شود زیرا سهامداران عمده به واسطه داشتن اطلاعات کافی، می‌توانند بر عملکرد مدیریت کنترل بهتری داشته باشند. مالکیت نهادی در نظارت شرکت‌ها بر حقوق صاحبان سهام نگهداری شده توسط آن‌ها نقش کلیدی دارند. مالکان (سهامداران) شرکت، حقوق متفاوتی دارند؛ از جمله این حقوق انتخاب هیئت‌مدیره است که به عنوان نماینده برای نظارت بر عملکرد مدیران شرکت فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر، سهامداران عمده در انتقال اطلاعات به سایر سهامداران نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. آن‌ها می‌توانند اطلاعات خصوصی از مدیریت کسب کنند و اطلاعات را به دیگران انتقال دهند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر این، جنسن و مک‌کلینگ^۲ (۱۹۷۶) نیز استدلال می‌کنند که یک رویکرد برای کاهش هزینه‌های نمایندگی افزایش مالکیت مدیریتی است، چون که منافع مدیران و منافع سهامداران هم‌راستا خواهد بود. سود خالص نیز یکی از اقلام مندرج در صورت‌های مالی است که در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تأثیر بسزایی دارد و توجه زیادی را معطوف خود ساخته است. یکی از گروه‌های اصلی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی سهامداران هستند. از این رو عموماً این گونه تصور می‌شود که ساختار مالکیت شرکت‌ها ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی که سرمایه‌گذاران مختلف در این ساختار انجام می‌دهند، نشأت می‌گیرد. از حیث تئوری، نهادها ممکن است انگیزه‌هایی برای نظارت فعال بر مدیریت سود را داشته باشند (شیفر و ویشنی، ۱۹۹۷).

¹ Shleifer and Vishny

² Jensen and makling

در رسوایی‌های مالی اخیر نظیر آدلفیا و انرون در آمریکا و پارمالات در اروپا، معاملات اشخاص وابسته به عنوان یکی از کانونهای نگرانی تبدیل شده است، به طوری که استفاده هدفمند از این معاملات از عوامل سقوط شرکت‌ها بوده است. به بیان دیگر، یکی از دلایل رسوایی شرکت‌های بزرگ آمریکا، ضعف در گزارشگری مالی و به خصوص، ضعف در گزارش معاملات با اشخاص وابسته شناخته شده است (جیان و وانگ^۱، ۲۰۰۳؛ چونگ و همکاران^۲، ۲۰۰۶). چرا که، این گونه معاملات ابزاری موثر جهت تسهیل تحریف صورت‌های مالی و انحراف منابع شرکت توسط مدیران، محسوب می‌شود. یک نظریه جهانی این است که معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند در شرکت‌های گروه به‌عنوان یک‌راه بهینه‌سازی تخصیص منابع داخلی، کاهش هزینه معاملات و بهبود بازده دارایی‌ها استفاده شود. در طرف دیگر، این معاملات توسط مدیران یا سایر سهامداران به‌طور فرصت‌طلبانه استفاده می‌شود که می‌تواند نتایج عملیات را گمراه کند یا اثر نامساعدی بر ثروت سهامداران اقلیت بگذارد. کائو (۲۰۰۳) و هوانگ (۲۰۰۳) نگرانی‌هایی در مورد سوءاستفاده از معاملات با اشخاص وابسته بیان کردند به این صورت که سهامداران کنترل‌کننده، از شرکت‌ها به‌عنوان ناقل مالی استفاده می‌کنند و سرمایه‌ی آن‌ها را دوباره در سایر سرمایه‌گذاری‌ها تخصیص می‌دهند. نگرانی دیگر این است که مدیران برای به دست آوردن اجازه‌ی صدور حق تقدم خرید سهام، سود را از طریق فروش غیرمجاز به اشخاص وابسته بیشتر از واقع نشان دهند. همچنین، مدیران ممکن است منافع خود را از طریق خریدوفروش باقیمت غیرمعقول یا از طریق مبادله‌ی دارایی باکیفیت متفاوت جستجو کنند (خدمای پور و همکاران، ۱۳۹۱).

معامله با اشخاص وابسته را می‌توان از دیدگاه دو نظریه بررسی کرد. با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی‌های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند. اما فرضیه معامله کارآمد حاکی از آن است که گاهی برای دسترسی به تجربه، تخصص و مهارت منحصربه‌فرد اشخاص وابسته یا جبران خدمات، معامله با آن‌ها انجام می‌گیرد که در این صورت، انگیزه‌ای برای مدیریت سود وجود ندارد (گوردون و هنری^۳، ۲۰۰۵).

تصاحب منابع شرکت از طریق معاملات با اشخاص وابسته، در کشورهای توسعه‌یافته مرسوم است، اما به دلیل نقص بازارهای خارجی و ضعف راهبری شرکتی این رخداد، در اقتصادهای نوظهور بیشتر مشاهده می‌شود. در بسیاری از موارد، معاملات با اشخاص وابسته گریزنپذیر و سودمند است و در چرخه عملیات شرکت تکرار می‌شود. ولی در شرایط خاص، به سهامداران عمده یا مدیران شرکت اجازه می‌دهد با هزینه سهامدار خرد، منافع شخصی خود را تأمین کنند (شعری و حمیدی، ۱۳۹۱).

بیان نظری

ساختار مالکیت

ارتباط بین سهامداران و مدیران شرکت مملو از تضاد منافی است که از جدایی مالکیت و کنترل، تفاوت اهداف سهامداران و مدیران، و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران ناشی می‌شود (دی^۴، ۲۰۰۸). این تضاد منافع به وسیله تضاد نمایندگی بیان می‌گردد. رابطه نمایندگی به صورت قراردادی که به موجب آن یک یا چند شخص (مالک یا مالکان)، شخص دیگری

¹ Jian and Wong

² Cheung et al

³ Gordon and Henry

⁴ Dey

(نماینده) را برای اجرای بعضی خدمات از جانب خود به کار گماشته و اختیار تصمیم گیری را به وی تفویض مینمایند، تعریف میشود (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). از آنجا که برخی مالکان، با توجه به میزان مالکیتشان، بر شرکت تحت مالکیتشان کنترل موثری دارند، ساختار مالکیت (ویژگی های مالکان و میزان مالکیتشان) یک عنصر بالقوه مهم در حاکمیت شرکتی است. منطقی است فرض کنیم که همپوشانی بیشتر میان مالکیت و کنترل باید منجر به کاهش تضاد منافع و در نتیجه افزایش ارزش شرکت گردد. رابطه میان مالکیت، کنترل، و ارزش شرکت بسیار پیچیده است، با این حال داشتن مالکیت از سوی مدیر شرکت میتواند به بهبود همسویی منافع مدیران و سهامداران کمک کند. با وجود این، از آنجایی که منافع مدیران و سهامداران کاملاً بر هم منطبق نشده است، مالکیت بیشتر میتواند به مدیران آزادی بیشتری برای پیگیری اهدافشان بدون ترس از جریمه شدن بدهد، یعنی میتواند برای مدیران سنگری باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸).

معاملات با اشخاص وابسته

استاندارد حسابداری مالی (FASB) شماره ۵۷ با عنوان معاملات با اشخاص وابسته، توضیح می دهد هیچ پیش فرضی وجود ندارد که معاملات با اشخاص وابسته بدون شبهه باشد. طبق بند ۳ این استاندارد، از آنجایی که در مورد معاملات با اشخاص وابسته بازار رقابتی و آزادانه ای وجود ندارد، نمی توان فرض کرد این معاملات بدون شبهه بوده و در شرایط عادی رخ داده اند. شبهات در معاملات با اشخاص وابسته هنگامی افزایش می یابد که یکی از طرفین معامله توانایی نفوذ فراوان بر عملیات دیگری را داشته باشد.

از آنجا که اشخاص وابسته مستقل از یکدیگر نیستند، در استانداردهای حسابداری برای معاملات، روابط و مانده حساب های اشخاص وابسته الزامات حسابداری و افشای خاصی وضع شده تا استفاده کنندگان صورت های مالی قادر به درک ماهیت و آثار واقعی یا بالقوه آنها بر صورت های مالی باشند. در نتیجه حسابرس باید به منظور تشخیص، ارزیابی و برخورد مناسب با خطرهای تحریف با اهمیت ناشی از کوتاهی واحد تجاری در تشخیص یا افشای معاملات، روابط و مانده حساب های اشخاص وابسته طبق الزامات آن استانداردها، روش های حسابرسی را اجرا کند.

گفتار ۵۵۰ استانداردهای حسابرسی به ارائه استانداردها و راهنمایی هایی درباره مسئولیت حسابرس و روش های حسابرسی مربوط به روابط با اشخاص وابسته و معاملات با این چنین اشخاصی می پردازد. بند ۸ این گفتار بیان می کند، اهداف حسابرس به شرح زیر هست:

الف. کسب شناخت کافی از روابط و معاملات با اشخاص وابسته به منظور شناسایی عوامل خطر تقلب ناشی از روابط و معاملات با اشخاص وابسته که برای تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت ناشی از تقلب لازم است.

ب. کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب درباره اینکه آیا روابط و معاملات با اشخاص وابسته، طبق استاندارد حسابداری به گونه ای مناسب مشخص و در صورت های مالی افشاشده است یا خیر (استانداردهای حسابرسی، استاندارد ۵۵۰).

طبق استاندارد حسابداری ایران مربوط به افشای اطلاعات اشخاص وابسته یک شخص در صورتی وابسته به واحد تجاری است که:

الف. به طور مستقیم، یا غیرمستقیم از طریق یک یا چند واسطه:

≠ واحد تجاری را کنترل کند، یا توسط واحد تجاری کنترل شود، یا با آن تحت کنترل واحد قرار داشته باشد (شامل

واحدهای تجاری اصلی، واحدهای تجاری فرعی و واحدهای تجاری فرعی هم گروه)

≠ در واحد تجاری نفوذ فراوان داشته باشد، یا

≠ بر واحد تجاری کنترل مشترک داشته باشد.

ب. واحد تجاری وابسته آن واحد باشد (طبق تعریف استاندارد حسابداری شماره ۲۰ با عنوان حسابداری سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری وابسته).

ج. مشارکت خاص آن واحد باشد (طبق تعریف استاندارد حسابداری شماره ۲۳ با عنوان حسابداری مشارکت‌های خاص).

د. از مدیران اصلی واحد تجاری یا واحد تجاری اصلی آن باشد

ه. خویشاوند نزدیک اشخاص اشاره‌شده در بندهای الف یا د باشد.

و. توسط اشخاص اشاره‌شده در بندهای د یا ه کنترل می‌شود، تحت کنترل مشترک یا نفوذ فراوان آنان است و یا اینکه سهم فراوانی از حق رأی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار ایشان باشد و

ز. طرح بازنشستگی خاص کارکنان واحد تجاری یا طرح بازنشستگی خاص کارکنان اشخاص وابسته به آن و همچنین واحدهای تجاری تحت کنترل این‌گونه طرح‌ها باشد.

معامله با شخص وابسته: انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف‌نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن است.

دستورالعمل اجرای افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار تعریف اشخاص وابسته را به شرح زیر تکمیل می‌کند، اشخاص وابسته عبارت‌اند از:

- ۱- اشخاص وابسته ذکر شده در بند ۶ استاندارد حسابداری شماره ۱۲
- ۲- اشخاصی که حداقل ۱۰٪ از سهام ناشر را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در اختیار دارند.
- ۳- شرکتی که مدیران فعلی آن در دو سال اخیر عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعامل ناشر بوده‌اند.
- ۴- شرکتی که مدیران دو سال اخیر آن در حال حاضر عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعامل ناشر باشند.
- ۵- اشخاص دارای روابط خاص با ناشر، مانند تعاونی کارکنان، صندوق‌های بازنشستگی (اعم از آنکه توسط ناشر کنترل شوند یا خیر) و همچنین شرکت‌های تحت کنترل آنها
- ۶- مشارکت خاص مربوط به اشخاص کنترل‌کننده یا دارای نفوذ قابل‌ملاحظه در ناشر.
- ۷- مدیران ارشد اجرایی همانند معاونان مدیرعامل، مدیران اجرایی ناشر مانند مدیر مالی، مدیر پروژه‌ها، مدیر منابع انسانی.
- ۸- هر مشتری و یا تأمین‌کننده مواد اولیه ناشر که بر تصمیم‌گیری مدیران نفوذ داشته باشد و یا تصمیمات آنها تحت نفوذ ناشر باشد و بتوان تصمیمات پیرامون معاملات را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین در صورتی که حداقل ۳۰٪ از درآمد عملیاتی ناشر در طی دوره از یک مشتری کسب گردد و یا حداقل ۳۰٪ از خرید ناشر در طی دوره از یک تأمین‌کننده مواد اولیه انجام گردد، مشمول این تعریف خواهد شد (استانداردهای حسابداری، استاندارد ۱۲).

مدیریت سود

فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که از روش‌های اجرایی یک استاندارد حسابداری می‌توان برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می‌-

باشد. این انعطاف‌پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش‌های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف‌پذیر است، یکپارچگی داده‌های ارائه شده در صورت‌های مالی کمتر می‌شود. اصول تطابق و محافظه کاری نیز می‌تواند باعث مدیریت سود شود. تعاریف مختلفی برای مدیریت سود ارائه شده است، ولی به دلیل اینکه مرز میان مدیریت سود و تقلب های مالی مشخص نمی‌باشد، ارائه تعریف روشن از مدیریت سود تا حدودی مشکل است. شیپر^۱ (۱۹۸۹)، مدیریت سود را دخالت عمدی در فرایند گزارشگری مالی خارجی با قصد بدست آوردن سود تعریف کرده است. در تعریفی مدیریت سود را فرایند برداشتن گام‌های عمدی در چارچوب اصول پذیرفته‌شده حسابداری، که مدیران را قادر می‌سازد تا سود گزارش شده را به سطح مطلوب خوشان برسانند. همچنین مدیریت سود را به عنوان مداخله با اراده در فرایند گزارشگری مالی به منظور کسب منفعت شخصی برای سهامداران نیز تعریف کرده اند (شیپر، ۱۹۸۹). هیل و هلن^۲ (۱۹۹۹)، ضمن تعریفی بیان کردند مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند. این هدف یا به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی یا تاثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود شخصی می‌باشد، صورت می‌گیرد. تقلب مالی، حذف یا دستکاری عمدی واقعیات اصلی یا داده‌های حسابداری است که در کنار سایر داده‌های موجود، باعث تغییر قضاوت و یا تصمیم‌گیری استفاده کننده از داده‌ها خواهد شد (نوروش و همکاران ۱۳۸۴).

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

الهادب^۳ (۲۰۱۸) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی با نمونه ای متشکل از ۱۵۰۵ مشاهده سالیانه شرکت‌های انگلستان طی سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ پرداختند. یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معنادار و بین حق - الزحمه غیرعادی حسابرسی و مدیریت سود واقعی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. حق الزحمه های غیر عادی با مدیریت سود واقعی کمتری مرتبط است. حق الزحمه های غیر عادی حسابرسی با ارقام تعهدی اختیاری غیرعادی، هزینه های غیر عادی تولید و اندازه گیری کلی مدیریت سود واقعی، ارتباط منفی دارد. این نتیجه در توافق با تئوری مولد میباشد که اشاره میکند که هر وجه اضافی پرداخته شده به شرکتهای حسابرسی با رویه های رسیدگی بیشتری در ارتباط است که بطور کلی منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری سیستم عملیاتی مشتریان میشود که از این طریق دستکاری سود گزارش شده توسط مدیران خیلی سخت می شود.

الهادب و همکاران^۴ (۲۰۱۸) مقاله ای تحت عنوان تعامل بین معاملات اشخاص وابسته و مدیریت سود: نقش کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار داده اند. این پژوهش از شرکت های ثبت شده در بورس اوراق بهادار آتن را در طول دوره بین سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ به کار می گیرد. نتایج ما تایید می کند که به طور متوسط، مدیریت درآمد واقعی و معاملات اشخاص وابسته به عنوان جایگزین مورد استفاده قرار می گیرند. با این حال، آزمایش های اضافی نشان می دهد که این جایگزینی مهم

¹ Shipper

² Healy & Wahlen

³ Alhadab

⁴ Al-Haleh et al

نیست اگر شرکت توسط یکی از حسابرسیان بزرگ ۴ حسابرسی شود. به طور خلاصه، ارتباط معناداری بین مدیریت درآمد تعهدی و معاملات اشخاص وابسته پیدا نشد.

اله‌آداب و کلهر^۱ (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود واقعی و تعهدی می‌شوند.

الزویی^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی، بدهی و مدیریت سود به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی، بدهی و مدیریت سود پرداخته است. دریافته‌اند که کیفیت حسابرسی و بدهی کم باعث کاهش توانایی مدیریت سود و بدهی‌های بالا منجر به افزایش ریسک مدیریت سود خواهد شد.

کیم و یو^۳ (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مخارج تحقیق و توسعه و همچنین بر رابطه بین مخارج تحقیق و توسعه و ارزش شرکت می‌پردازد. نتایج بررسی آنها نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و در نهایت ارزش شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

لئو و همکاران^۴ (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت، معاملات اشخاص وابسته و ارزش شرکت‌های مالزیایی پرداختند. نتایج آنها نشان داد که ساختار مالکیت رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. با این وجود بیان کردند که سهامداران نهادی این رابطه را تقویت می‌بخشند.
پیشینه داخلی

خزایی و همکاران (۱۴۰۰) نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین افزایش سطح مالکیت نهادی موجب تضعیف رابطه معکوس قابلیت مقایسه و مدیریت سود را می‌شود. این نتیجه را می‌توان به این صورت تفسیر کرد که هر چه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، تأثیر منفی مدیریت سود بر قابلیت مقایسه کمتر است. و اینکه تمرکز مالکیت تأثیر معناداری بر رابطه بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود ندارد.

حبیب زاده و جوایی (۱۳۹۹) به بررسی رابطه بین درماندگی مالی، کنترل داخلی و مدیریت سود پرداختند. با توجه به نتایج آزمون فرضیه تحقیق نتایج نشان داد که درماندگی مالی بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد و همچنین در دیگر نتایج تحقیق مشاهده شد که کنترل داخلی رابطه بین درماندگی مالی و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

برزگر و حقیقت (۱۳۹۹) به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که، بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت رابطه مثبت، و همچنین بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به علاوه، معاملات با اشخاص وابسته رابطه بین افشای هزینه تحقیق توسعه و ارزش شرکت را تضعیف می‌کند.

حاجیها و آزادزاده (۱۳۹۹) به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری: بررسی نقش رفتار فرصتطلبانه مدیران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری

¹ Alhadab and Clacher

² Alzoubi

³ Kim and Yoo

⁴ Liew et al

وجود دارد. بین معیار دوم هموارسازی سود و معاملات با اشخاص وابسته ارتباط مثبتی وجود دارد. درنهایت، بین معیار اول و سوم هموارسازی سود و معاملات با اشخاص وابسته ارتباطی وجود ندارد. نعمتی (۱۳۹۸) نقش کیفیت حسابرسی در رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و مدیریت سود مورد بررسی قرار داد. نتایج استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی چنین نشان داد که ولی بین معاملات اشخاص وابسته و مدیریت سود واقعی با توجه به نقش کیفیت حسابرسی رابطه معناداری یافت شد.

فرضیه ها

فرضیه اصلی اول: بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه اصلی دوم: ساختار مالکیت بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.
فرضیه فرعی اول: سطح مالکیت نهادی بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.
فرضیه فرعی دوم: مالکیت مدیریتی بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع توصیفی و بر اساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است با توجه به اینکه این پژوهش می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار گیرد از نوع پژوهش کاربردی محسوب می‌شود؛ برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌های موردنظر از ماهنامه‌های بورس و سایت‌های بورس و بانک مرکزی و نرم‌افزارهای اطلاعات مالی شرکت‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و تدبیر پرداز استفاده شده است. برای آماده‌سازی اطلاعات از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است و به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ هست. در این پژوهش، برای تعیین نمونه آماری از روش غربالگری استفاده شد؛ بدین‌صورت که در هر مرحله از بین کلیه شرکت‌های موجود در پایان سال، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و شرکت باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند: شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به انتهای اسفندماه ختم می‌شود، جزء شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و واسطه‌گری‌های مالی و مؤسسات تأمین مالی نباشند، شرکت‌هایی که در طی دوره موردنظر تغییر سال مالی نداشته باشند و شرکت‌هایی که اطلاعات مالی موردنیاز آن‌ها جهت سنجش متغیرها در دسترس باشند. بعد از اعمال این شرایط ۱۱۸ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

نحوه اندازه‌گیری متغیرها

متغیر مستقل معامله با اشخاص وابسته: در این پژوهش معاملات با اشخاص وابسته به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. مقدار این معاملات مطابق با پژوهش حمیدی و شعری (۱۳۹۱) از لگاریتم طبیعی جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته (خرید کالاها و خدمات از اشخاص وابسته + فروش کالاها و خدمات به اشخاص وابسته افشا شده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی سالانه شرکت‌های مورد بررسی) به دست می‌آید.

متغیر وابسته مدیریت سود (EM): جهت محاسبه مدیریت سود مطابق با پژوهش دیچو، اسلوان و سوئینی^۱ (۱۹۹۵) از مدل تعدیل شده جونز^۲ (۱۹۹۱) استفاده شده است. در مدل جونز تعدیل شده ابتدا کل اقلام تعهدی از رابطه ۱ محاسبه می‌گردد (برندک و همکاران، ۱۳۹۸)
رابطه ۱:

$$TA_{i,t} = E_{i,t} - CFO_{i,t}$$

که در این رابطه:

$E_{i,t}$: سود خالص شرکت i در سال t

$CFO_{i,t}$: جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت i در سال t

پس از محاسبه کل اقلام تعهدی، عوامل $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ به منظور تعیین اقلام تعهدی عادی، از طریق رابطه ۲ برآورد می‌شوند:

رابطه ۲:

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

که در این رابطه داریم:

$TA_{i,t}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال t و سال $t-1$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی شرکت i بین سال t و سال $t-1$

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

$A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

$\varepsilon_{i,t}$: اثرات نامشخص عوامل تصادفی

$\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$: عوامل برآورد شده شرکت i

پس از محاسبه عوامل $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ طبق فرمول ذیل، اقلام تعهدی عادی با استفاده از مدل جونز تعدیل شده در دوره آزمون را از رابطه ۳ به دست می‌آوریم:

رابطه ۳:

$$NDA_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \left[\frac{1}{A_{i,t-1}} \right] + \alpha_2 \left[\frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} \right] + \alpha_3 \left[\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right]$$

که در آن:

$NDA_{i,t}$: اقلام تعهدی عادی شرکت i بین سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال t و سال $t-1$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی شرکت i بین سال t و سال $t-1$

¹ Ditch, Sloan and Sweeney

² Jones

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t
 $A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$
 در مرحله آخر ارقام تعهدی غیرعادی از طریق رابطه ۴ محاسبه می‌شود:
 رابطه ۴:

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t}$$

متغیر تعدیلی سطح مالکیت نهادی (INSOWN): یکی از سازوکارهای مؤثر حاکمیت شرکتی که اهمیت فزاینده‌ی دارد، ظهور سرمایه‌گذاران نهادی به‌عنوان مالکان شرکت‌ها بوده است. برای محاسبه‌ی سطح مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها؛ هلدینگ‌ها؛ شرکت‌های سرمایه‌گذاری؛ صندوق‌های بازنشستگی؛ شرکت‌های تأمین سرمایه؛ صندوق‌های بازنشستگی؛ شرکت‌های تأمین سرمایه؛ صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره‌ی شرکت تقسیم‌شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست می‌آید. در پژوهش حاضر سطح مالکیت نهادی به شرح زیر محاسبه می‌شود: (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۷)

(کل سهام منتشره شرکت) / (مجموع سهام در اختیار مالکان نهادی) = سطح مالکیت نهادی

مالکیت مدیریتی (MOWN): پژوهشگران استدلال کرده‌اند که افزایش درصد مالکیت مدیریتی ارزش شرکت را از طریق کاهش هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌دهد. این متغیر در پژوهش حاضر برابر با درصد سهام عادی متعلق به مدیران موظف و غیرموظف است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۷)

(کل سهام منتشره شرکت) / (مجموع سهام در اختیار مدیران) = MOWN

متغیرهای کنترلی: برای استفاده از متغیرهای کنترلی از متغیرهای زیر استفاده شده است.
 اندازه شرکت (size): با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت برآورد شده است.
 سن شرکت (age): برابر با تفاضل تعداد سال‌های بین سال انجام تحقیق و سال تاسیس شرکت است.
 اهرم مالی (lev): برابر است با نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی.

یافته‌ها

توصیف آماری متغیرها

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی متغیرها

پنل الف:	متغیرهای پیوسته			
	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین
مدیریت سود	۰.۰۰۵	-۰.۰۲	۰.۹۹	-۰.۷۳
معاملات با اشخاص وابسته	۱۰.۵۳	۱۱.۰۲	۱۴.۵۱	۸.۲۰
مالکیت نهادی	۰.۵۹	۰.۶۷	۱.۰۰	۰.۰۲
مالکیت مدیریتی	۰.۶۷	۰.۷	۰.۹۸	۰.۰۹
انحراف معیار				۰.۱۷

سن شرکت	۴۰.۱۹	۴۲.۰۰	۶۸.۰۰	۱۳.۰۰	۱۳.۰۷
اهرم مالی	۰.۰۷	۰.۰۴	۱.۷۶	۰.۰۰	۰.۱۲
اندازه شرکت	۱۴.۴۶	۱۴.۲۴	۲۰.۱۴	۱۱.۰۴	۱.۵۰

با نگاهی به جدول (۱) مشاهده می‌شود که میانه و میانگین متغیرها فاصله زیادی باهم ندارند و هر چه قدر به هم نزدیک باشد توزیع آن‌ها به توزیع نرمال نزدیک‌تر است. در بین متغیرها سن شرکت با مقدار (۴۰/۱۹) دارای بیشترین میانگین و متغیر مدیریت سود با مقدار (۰/۰۰۵) دارای کمترین میانگین است. با مقایسه انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی به این نتیجه می‌رسیم که متغیر اهرم مالی با مقدار (۰/۱۲) نسبت به سایر متغیرها دارای کمترین پراکندگی است و متغیر سن شرکت با مقدار (۱۳/۰۷) دارای بیشترین پراکندگی است و این بدان معناست که این متغیر نوسان‌های شدیدتری دارد است.

آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های تابلویی

برای بررسی مانایی از آزمون ریشه‌ی واحد^۱ استفاده شده است.

جدول (۲): خلاصه نتایج آزمون ریشه‌ی واحد- آزمون لوین لین و چپو

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدیریت سود	-۱۹/۵۱	۰/۰۰۰۰	مانا
معاملات با اشخاص وابسته	-۸/۵۵	۰/۰۰۰۰	مانا
مالکیت نهادی	-۲/۸۵	۰/۰۰۲۱	مانا
مالکیت مدیریتی	-۲۵/۱۶	۰/۰۰۰۰	مانا
سن شرکت	-۵۸/۲۳	۰/۰۰۰۰	مانا
اهرم مالی	-۶۱/۰۹	۰/۰۰۰۰	مانا
اندازه شرکت	-۱۱/۳۴	۰/۰۰۰۰	مانا

با توجه به نتایج ۲ می‌توان گفت از آنجایی که احتمال‌های محاسبه شده در آزمون لوین لین و چپو کوچکتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرضیه صفر که مبنی بر وجود ریشه واحد برای متغیرها پذیرفته نمی‌شود و تمامی متغیرها مانا هستند.

خود هم انباشتگی داده‌ها

هرچند شرط مانایی متغیرهای یک رابطه رگرسیونی را می‌توان از طریق تفاضل گیری تأمین کرد، اما کار خاصی برای حفظ اطلاعات بلندمدت در رابطه با سطح متغیرها نمی‌توان انجام داد. اینجاست که هم انباشتگی به کمک ما می‌آید تا بتوان رگرسیونی را بدون هراس از کاذب بودن بر اساس سطح متغیرها برآورد کرد. به زبان ساده هم انباشتگی وقتی پیش می‌آید که دو سری زمانی روی یک طول موج حرکت کنند و در بلندمدت نمی‌توانند دور از هم حرکت کنند و برای آزمون وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین دو متغیر یا چند متغیر، از تجزیه و تحلیل هم انباشتگی استفاده می‌شوند.

¹ Unit Root Test

در حقیقت هم انباشته بودن چند متغیر به معنای وجود رابطه‌ای بلندمدت و معنادار و غیر تصادفی بین این متغیرها است. برای بررسی هم انباشتگی در داده‌های ترکیبی، سه آزمون پدرونی، کائو و فیشر (ژوهانسون تعدیل شده) قابل اجرا هستند؛ که در تحقیق حاضر از آزمون کائو استفاده شده است. فرض‌های آماری آزمون هم انباشتگی به شرح زیر است:

فرضیه‌ی صفر (H_0): رابطه خطی بین متغیرها در بلندمدت دارای هم انباشتگی نیست.

فرضیه‌ی مقابل (H_1): رابطه خطی بین متغیرها در بلندمدت دارای هم انباشتگی است.

جدول (۳): نتایج آزمون هم انباشتگی

نتیجه آزمون	Prob	آماره آزمون	آزمون کائو (Kao)
فرضیه صفر رد می‌شود	۰/۰۰	-۷/۲۲	

با توجه به نتایج آزمون کائو، مشاهده می‌شود که فرض صفر آزمون رد شده و ترکیب خطی متغیرهای مورد بررسی دارای هم انباشتگی است ($Prob < 5\%$)؛ بنابراین، می‌توان با اطمینان از عدم ایجاد رگرسیون کاذب مدل مورد نظر را در سطح مقادیر برآورد کرد.

آزمون ناهمسانی واریانس

برای آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است.

جدول (۴): آزمون همسانی واریانس

سطح معنی‌داری	مقدار آماره	آزمون وایت
۰/۲۳۵۱	۱/۲۳	مدل اصلی اول
۰/۱۰۲۹	۱/۳۶	مدل فرعی اول
۰/۱۰۵۸	۱/۸۳	مدل فرعی دوم

برای تخمین الگوهای اقتصادی، روش‌های متفاوتی وجود دارد. با لحاظ کردن فروض کلاسیک، روش حداقل مربعات معمولی (OLS) بر اساس قضیه گاوس - مارکف بهترین تخمین زننده خطی بدون تورش است؛ اما در صورت وجود ناهمسانی واریانس دیگر روش حداقل مربعات معمولی (OLS) روش مناسبی برای تخمین نیست که از این رو با وزن دادن (Cross-section weights) به رفع آن پرداخته و مدل مناسب برای تخمین آزمون فرضیه‌ها روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) خواهد بود. نتایج آزمون وایت نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون وایت برای مدل اول و دوم و سوم بزرگتر از ۵ درصد است پس مدل‌های تحقیق از واریانس‌های همسانی برخوردار هستند.

آزمون هم خطی

برای بررسی هم خطی در این تحقیق از معیار عامل تورم واریانس^۱ استفاده شده است.

^۱ VIF

جدول (۵): بررسی هم خطی

متغیر	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم
معاملات با اشخاص وابسته	۱.۰۰۱۶۳۷	۱.۰۲۰۹۹۶۳	۱.۲۱۰۵۲۱
مالکیت نهادی	-	۱.۲۳۸۳۹۳	-
مالکیت نهادی*معاملات با اشخاص وابسته	-	۱.۲۱۰۱۵۰	-
مالکیت مدیریتی	-	-	۱.۲۱۳۲۵۸
مالکیت نهادی*معاملات با اشخاص وابسته	-	-	۱.۵۴۴۴۲۲
سن شرکت	۱.۰۱۱۰۹۹	۱.۰۱۳۱۷۱	۱.۰۲۳۵۸۸
اهرم مالی	۱.۰۱۹۸۵۵	۱.۰۳۲۳۸۸	۱.۰۲۳۹۹۹
اندازه شرکت	۱.۰۱۹۳۹۲	۱.۳۴۸۹۷۱	۱.۰۲۲۹۳۹

نتایج نشان می‌دهد که مقادیر عامل تورم واریانس برای هریک از متغیرهای توضیحی مدل تحقیق ارائه شده کمتر از ۱۰ می‌باشند؛ بنابراین مشکل هم خطی در مدل وجود ندارد.

انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیون

برای مشخص کردن نوع مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی از آزمون F مقید (چاو) استفاده شده است؛ که خروجی آزمون در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون چاو (F مقید) در بررسی مدل فرضیات تحقیق

مدل	آماره F	p-value	نتیجه آزمون چاو	نوع آزمون
مدل اصلی اول	۲/۴۵	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود	داده‌های ترکیبی Panel date
مدل فرعی اول	۲/۴۴	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود	داده‌های ترکیبی Panel date
مدل فرعی دوم	۲/۲۷	۰/۰۰۰۰	H_0 رد می‌شود	داده‌های ترکیبی Panel date

نتایج خروجی آزمون F نشان می‌دهد فرضیه صفر مدل رد شده چون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد به دست آمده و از میان طرح پنل یا رگرسیون تجمیع شده (تلفیقی) و پنل انتخاب می‌شود. همچنین برای انتخاب اثرات ثابت و اثرات تصادفی مدل از آزمون هاسمن استفاده شد. در صورتی سطح معناداری آزمون هاسمن بیشتر از ۵ درصد باشد مدل اثرات تصادفی و در صورتی که سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۵ درصد باشد مدل اثرات ثابت انتخاب می‌شود؛ خروجی آزمون هاسمن به شرح جدول ۷ می‌باشد.

جدول (۷): نتایج آزمون هاسمن در بررسی مدل فرضیات تحقیق

نوع آزمون	نتیجه آزمون هاسمن	p-value	آماره	آزمون هاسمن
اثرات ثابت	H_0 رد می شود	۰/۰۰۰۰	۳۹/۴۸	مدل اول
اثرات ثابت	H_0 رد می شود	۰/۰۰۰۰	۲۷/۲۸	مدل دوم
اثرات ثابت	H_0 رد می شود	۰/۰۰۰۰	۶۳/۷۹	مدل سوم

بررسی آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین معامله با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۸): نتایج تخمین فرضیه اصلی اول تحقیق

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۰.۳۷۷۴۵۱	۰.۳۰۲۲۷۵	-۱.۲۴۸۷۰۱	۰.۲۱۲۱
معامله با اشخاص وابسته	۰.۰۹۶۸۱۸	۰.۰۱۵۳۱۸	۶.۳۲۰۴۷۴	۰.۰۰۰۰
سن شرکت	-۰.۳۵۴۵۶۳	۰.۰۹۴۹۷۱	-۳.۷۳۳۳۸۷	۰.۰۰۰۲
اندازه شرکت	۲.۰۱۳۴۴۸	۱.۹۰۲۶۶۳	۱.۰۵۸۲۲۶	۰.۲۹۰۴
اهرم مالی	-۰.۲۲۷۹۳۷	۰.۶۲۹۶۵	۳.۰۶۲۰۰۴۴	۰.۰۰۰۳
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین	۰/۲۷			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۸			
آماره F	۲/۹۵			
سطح معناداری F	۰/۰۰			
دوربین واتسون	۱/۸۸			

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که سطح معناداری آماره F از ۵ درصد کوچکتر است (۰/۰۰) لذا مدل معنی‌دار بوده و فرضیه H_1 آزمون F در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۰/۲۷ درصد متغیر مدیریت سود توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۱۸ درصد به دست آمده است. علاوه بر این به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود چون مقدار آن ۱/۸۸ بین بازه قابل قبول قرار دارد فرض همبستگی جملات خطا رد می‌شود.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه متغیر معامله با اشخاص وابسته با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد هستند که نشان دهنده رابطه معنادار با مدیریت سود است لذا فرضیه اول تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. پس فرضیه اول تحقیق مبنی بر بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد پذیرفته می‌شود.

همچنین متغیرهای کنترلی اهرم مالی و سن شرکت با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با مدیریت سود دارند اما اندازه شرکت با توجه به سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد.

فرضیه فرعی اول: ساختار مالکیت (مالکیت نهادی) بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

جدول (۹): نتایج تخمین فرضیه فرعی اول تحقیق

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۰.۰۰۱۳۴۸	۰.۰۰۰۲۱۸	-۶.۱۷۷۱۳۶	۰.۰۰۰۰
معاملات با اشخاص وابسته	۰.۵۳۵۱۷۴	۰.۰۲۹۸۶	۱۷.۹۱۹۹۴	۰.۰۰۰۰
مالکیت نهادی	-۰.۰۲۹۸۶۶	۰.۰۱۳۵۶۴	-۲.۲۰۱۹۴۸	۰.۰۲۷۹
مالکیت نهادی*معاملات با اشخاص وابسته	-۰.۰۱۵۳۶۲	۰.۰۰۴۷۶۴	-۳.۲۲۴۴۸۰	۰.۰۰۱۳
اهرم مالی	-۰.۰۳۳۷۹۰	۰.۰۱۶۶۵۴	-۲.۰۲۹۰۲۷	۰.۰۴۲۷
سن شرکت	-۰.۰۰۰۶۱۵	۰.۰۰۰۱۶۷	-۳.۶۸۰۵۴۳	۰.۰۰۰۲
اندازه شرکت	-۰.۰۰۹۹۶۸	۰.۰۱۳۱۲۳	-۰.۷۵۹۶۳۲	۰.۴۴۷۹
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین	۰/۲۶			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۶			
آماره F	۱۸/۷۸			
سطح معناداری F	۰/۰۰			
دوربین واتسون	۱/۷۴			

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این‌که سطح معناداری آماره F از ۵ درصد کوچک‌تر است (۰/۰۰) لذا مدل معنی‌دار بوده و فرضیه H₁ آزمون F در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۰/۲۶ درصد متغیر مدیریت سود توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۱۶ درصد به دست آمده است. علاوه بر این به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود چون مقدار آن ۱/۷۴ بین بازه قابل قبول قرار دارد فرض همبستگی جملات خطا رد می‌شود.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه متغیر تعاملی مالکیت نهادی*معاملات با اشخاص وابسته با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد هستند که نشان دهنده رابطه معنادار با مدیریت سود است لذا فرضیه فرعی اول تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. پس فرضیه فرعی اول تحقیق مبنی بر ساختار مالکیت (مالکیت نهادی) بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد پذیرفته می‌شود. همچنین متغیرهای کنترلی سن شرکت و اهرم مالی با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با مدیریت سود دارند اما اندازه شرکت با توجه به سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد.

فرضیه سوم: ساختار مالکیت (مالکیت مدیریتی) بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

جدول (۱۰): نتایج تخمین فرضیه فرعی دوم تحقیق

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	-۸.۵۲۱۶۸۶	۱.۱۲۷۸۷۰	-۷.۵۵۵۵۵۴	۰.۰۰۰۰
معاملات با اشخاص وابسته	۳۱.۹۶۷۷۴	۵.۰۴۷۸۳۶	۶.۳۳۲۹۶۰	۰.۰۰۰۰
مالکیت مدیریتی	-۰.۰۱۰۸۵۹	۰.۰۰۴۶۳۷	-۲.۳۴۱۷۵۰	۰.۰۱۹۵
مالکیت مدیریتی* معاملات با اشخاص وابسته	-۱۱.۱۶۸۹۱	۱.۹۶۸۸۲۱	-۵.۶۷۲۸۹۲	۰.۰۰۰۰
اهرم مالی	-۷.۹۳۰۳۳۰	۰.۹۴۷۲۱۳	-۸.۳۷۲۲۸۲	۰.۰۰۰۰
سن شرکت	-۰.۰۰۳۳۴۷	۰.۰۰۱۵۵۴	-۲.۱۵۳۸۹۷	۰.۰۳۱۶
اندازه شرکت	۰.۰۰۰۲۱۸	۰.۰۰۰۳۲۶	۰.۶۶۹۲۲۵	۰.۵۰۳۵
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین	۰/۲۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۳			
آماره F	۷/۴۷			
سطح معناداری F	۰/۰۰			
دوربین واتسون	۲/۰۸			

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که سطح معناداری آماره F از ۵ درصد کوچک‌تر است (۰/۰۰) لذا مدل معنی‌دار بوده و فرضیه H_1 آزمون F در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۰/۲۲ درصد متغیر مدیریت سود توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۱۳ درصد به دست آمده است. علاوه بر این به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود چون مقدار آن ۲/۰۸ بین بازه قابل قبول قرار دارد فرض همبستگی جملات خطا رد می‌شود.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه متغیرتعاملی مالکیت مدیریتی * معاملات با اشخاص وابسته با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد هستند که نشان دهنده رابطه معنادار با مدیریت سود است لذا فرضیه فرعی دوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. پس فرضیه فرعی دوم تحقیق مبنی بر ساختارمالکیت (مالکیت مدیریتی) بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد پذیرفته می‌شود همچنین متغیرهای کنترلی سن شرکت و اهرم مالی با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با مدیریت سود دارند. اما اندازه شرکت با توجه به سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

حاکمیت شرکتی به عنوان مبحثی است که بر موضوع راهبرد شرکتها و حقوق سهامداران تأکید دارد و نقش آن در کاهش تضاد بین منافع سهامداران و مدیران است. این تضاد منافع اغلب با مسائل نمایندگی در ارتباط است که ناشی از دو علت اصلی است: اولی متفاوت بودن اهداف و ترجیحات مشارکت کنندگان در شرکت و دیگری ناقص بودن اطلاعات مشارکت کنندگان نسبت به عملکرد، دانش و ترجیحات یکدیگر. حاکمیت شرکتی مجموعه‌های از فرآیندها، قوانین، سیاستها و روشهاست که

به نحوه هدایت، اداره و کنترل سازمان‌ها یا شرکت‌ها و همچنین به نحوه تعامل ذینفعان مختلف در راستای اهداف سازمان و یا شرکت می‌پردازد. حاکمیت شرکتی مفهومی چندوجهی است که از جمله مهم‌ترین وجوه مورد بحث آن، افزایش پاسخگویی افراد کلیدی سازمان (مسئولیت‌پذیری) و تأثیر نظام‌های حاکمیت شرکتی بر اثربخشی اقتصادی است. معامله با اشخاص وابسته را می‌توان از دیدگاه دو نظریه بررسی کرد. با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی‌های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند. اما فرضیه معامله کارآمد حاکی از آن است که گاهی برای دسترسی به تجربه، تخصص و مهارت منحصر به فرد اشخاص وابسته یا جبران خدمات، معامله با آن‌ها انجام می‌گیرد که در این صورت، انگیزه‌ای برای مدیریت سود وجود ندارد. از این رو هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا ساختار مالکیت رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تعدیل می‌کند؟ برای بررسی این موضوع با استفاده از ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ با استفاده از رگرسیون خطی به بررسی و تجزیه و تحلیل این موضوع پرداخته شد که نتایج آزمون نشان داد معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه معناداری دارند همچنین در دیگر نتایج آزمون فرضیه‌ها مشاهده شد که ساختار مالکیت رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تعدیل می‌کنند. هر پژوهشی که انجام می‌شود ممکن است با محدودیت‌هایی همراه باشد که باعث کند شدن روند انجام پژوهش گردد که در این پژوهش می‌توان به محدودیت‌های ذیل اشاره کرد: یکی از برجسته‌ترین مشکلاتی که در بیشتر پژوهش‌های داخل ایران با آن مواجه هستیم، عدم انجام پژوهش مشابه با پژوهش انجام شده در ایران هستیم که امکان مقایسه یافته‌های پژوهش را کاهش می‌دهد. تحلیل گران، ذی‌نفعان و در حالت کلی کسانی که از یافته‌های این پژوهش استفاده می‌کنند در تسری آن به شرکت‌های غیر بورسی محتاط‌تر عمل کنند. از آنجایی که بازه زمانی پژوهش بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، در عمومیت دادن یافته‌های پژوهش به سال‌های قبل و بعد از بازه زمانی اشاره شده باید احتیاط لازم عمل شود. از آنجایی که نمونه آماری پژوهش و شرکت‌های موجود در این نمونه سال مالی این شرکت‌ها منتهی به آخر سال هست در بسط دادن یافته‌های پژوهش به دیگر شرکت‌ها بایستی با احتیاط انجام گیرد. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از داده‌های شرکت‌ها و گزارش‌هایی که ارائه دادند استفاده شده است و این گزارش‌ها بر مبنای بهای تمام‌شده تاریخی استفاده شده است، در صورت اصلاح اطلاعات استفاده شده از بابت تورم ممکن است برداشت متفاوتی از یافته‌های فعلی حاصل شود. برای بررسی و پژوهش‌های آتی می‌توان مواردی همچون؛ در پژوهش‌های آتی می‌توان با انتخاب بازه زمانی طولانی این تحقیق رو انجام و نتایج آن را به تفکیک صنایع بررسی کرد. تأثیر فاکتورهای مالی بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، نقش مجازی هزینه غیرعادی حسابرسی بر معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را نام برد.

منابع

- ✓ اُستا، سهراب، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه ساختار مالکیت و مدیریت سود، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۳، شماره دوم، صص ۹۳-۱۰۶.
- ✓ استانداردهای حسابداری، استاندارد ۱۲، افشاء اطلاعات اشخاص وابسته، انتشارات سازمان حسابرسی.
- ✓ استانداردهای حسابرسی، استاندارد ۵۵۰، اشخاص وابسته، انتشارات سازمان حسابرسی.

- ✓ برزگر، قدرت الله، حقیقت، طوبی، (۱۳۹۹)، بررسی اثر تعدیل کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین افشای هزینه تحقیق و توسعه و ارزش شرکت، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۲۰۳-۲۲۵.
- ✓ برندک، سجاده، پاک مرام، عسگر، علی پور، سعید، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر جریان نقد عملیاتی بر ارقام تعهدی غیرعادی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نوع صنعت، مدیریت دارایی و تأمین مالی، دوره ۷، شماره ۳، صص ۹۹-۱۲۰.
- ✓ بزرگ اصل، موسی، (۱۳۸۵)، حسابداری میانه، صورت های مالی، چاپ دوم، تهران: سازمان حسابرسی، مدیریت تدوین استانداردها.
- ✓ تهرانی، رضا، طالب نیا، قدرت اله، جلیلی، صابر، (۱۳۸۵)، ارزیابی میزان اتکاء معامله گران بورس اوراق بهادار تهران به اطلاعات حسابداری و غیرحسابداری در تصمیمات سرمایه گذاری، تحقیقات مالی، سال ۸، شماره ۲۱، صص ۲۷-۴۶.
- ✓ جمشیدی، ندا، قدیم پور، جواد، شیخی، مینا، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین نوع مالکیت و میزان ضعف کنترل داخلی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و حسابرسی پویا، تهران
- ✓ جواهری، اسماعیل، (۱۳۸۵)، قانون ساریبیز اکسلی، مجله حسابر، شماره ۳۵، صص ۸۳-۸۵.
- ✓ حاجیها، زهره، آزاد زاده، عادل، (۱۳۹۹)، رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت اطلاعات حسابداری: بررسی نقش رفتار فرصت طلبانه مدیران، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۹، شماره ۳۶، صص ۱۸۷-۲۱۱.
- ✓ حبیب زاده، علی، جویایی، رباب، (۱۳۹۹)، درماندگی مالی، کنترل داخلی و مدیریت سود، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۲۹، صص ۹۸-۱۱۲.
- ✓ حمیدی، الهام، شعری، صابر، (۱۳۹۱)، شناسایی انگیزه های معاملات با اشخاص وابسته، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۲، شماره ۲، صص ۴۹-۶۴.
- ✓ خدای پور، احمد، امینی میثم، هوشمند زعفرانیه، رحمت الله، (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود، مجله پژوهش حسابداری، دوره ۲، شماره ۳، صص ۶۵-۸۳.
- ✓ خزایی، مهدی، زلفی، حسن، افلاطونی، عباس، (۱۴۰۰)، نقش تعدیل گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت های مالی و مدیریت سود، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
- ✓ محمدی پور، امید، (۱۳۹۴)، تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه اجتناب مالیاتی و مدیریت سود واقعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اقتصاد و حسابداری.
- ✓ محمدی، شاپور، قالیباف اصل، حسن، مشکی، مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی اثر ساختار مالکیت (تمرکز و ترکیب) بر بازدهی و ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، دوره ۱۱، شماره ۲۸، صص ۶۹-۸۸.
- ✓ منتظری، هادی، (۱۳۸۹)، نوع مدیریت سود و تأثیر ساختار مالکیت، اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، واحد مازندران.
- ✓ نعمتی، حمید، (۱۳۹۸)، نقش کیفیت حسابرسی در رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و مدیریت سود، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۱۵-۱۳۳.

✓ نوروش، ایرج، سپاسی، سحر، نیکبخت، محمدرضا، (۱۳۸۴)، بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، نشریه علوم اجتماعی و انسانی، شماره ۴۳، صص ۱۶۵-۱۷۷.

- ✓ Alhadab, M. (2018). "Abnormal audit fees and accrual and real earnings management:
- ✓ Alhadab, M, Clacher. L, (2017), The Impact of Audit Quality on Real and Accrual Earnings Management around IPOs, The British Accounting Review.
- ✓ Alzoubi, E, (2017). Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of International Accounting*, (17), 170–189.
- ✓ Cheung, Y., P. Rau., and A. Stouraitis. (2006). Tunneling, Propping and Expropriation: Evidence from Connected Party Transactions in Hong Kong. *Journal of Financial Economics* 82: 343–386.
- ✓ Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *Accounting Review*, 70 (2), 193-225.
- ✓ evidence from UK", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 16 Issue: 3, pp.395-416.
- ✓ Gordon, E. A., and Henry, E. (2005). Related Party Transactions and Earnings Management. Retrieved 25 August. 2006, from <http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm>
- ✓ Jensen, M. C. & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=94043.
- ✓ Jensen, M.C. (1983). Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers. *American Economic Review*. 76: 323-329.
- ✓ Jian, M., and T. Wong. (2003). Earnings Management and Tunneling through Related Party Transactions: Evidence from Chinese Corporate Groups. Working Paper. Nanyang Technological University and Hong Kong University.
- ✓ Kim, S. and Yoo, J. (2017). Does R&D Expenditure with Heavy Related Party Transactions Harm Firm Value? *Journal of Sustainability*, Published: 12 July 2017.
- ✓ LwwyC. ,, aaaa,, ,, & ee ,, S. 6666666 Ineeeeeeett eeeec'''''' ' eeeee, Reeceed Patty Transactions, Expropriation and Firm Value: Evidence from Malaysian Firms. Paper presented at the 5th International Conference on Corporate Governance in Emerging Markets, Leipzig, Germany
- ✓ Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizon* 3: 91-102
- ✓ Shleifer, Andrei and Robert W. Vishny. (1997). "Large Shareholders and Corporate Control". *The Journal of Political Economy*, V. 94, No. 3: pp. 461-488.